روزنامه صبح ایران
# وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

شنبه ۵ مهر ۱۳۹۳ ■ ۲ ذی‌الحجه ۱۴۳۵ ■ ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۴ ■ سال ششم ■ شماره ۱۴۲۵ ■ ۱۶ صفحه ■ ۵۰۰ تومان

■ اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی

VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.6 ■ No.1425 ■ Sat. Sep.27, 2014 ■ ISSN:2008-2886

پیام رهبر انقلاب به مناسبت هفته دفاع‌مقدس

## نمایش جلال و جمال ملت

صفحه ۲

شششمی ایران باطلای وزنه‌برداری ۱۴

شیر مدارس بی‌یال و دم شد! ۴

حاتمی کیا در جشنواره فیلم مقاومت درباره توهین کیارستمی به دفاع‌مقدس:

## دولت صریحاً موضع بگیرد

اگر این میزان و فرقان مشخص نباشد
من معتقدم در دولتی حرف می‌زنم که در آن نفاق است

صفحه ۱۳

# لگد روباه

دیدار بی‌سابقه رئیس‌جمهور ایران با نخست‌وزیر انگلیس با توهین‌های مکرر دیوید کامرون عبرت‌ساز شد

صفحه ۲

**تیترهای روز**

دفاع‌مقدس در گفت‌وگوی «شناسنامه» با سرلشکر باقری

## از ۵۹۸ تا داعش

■ دولت حمایت لازم را از جبهه‌ها نکرد
■ در پذیرش قطعنامه نمی‌توان کسی را متهم ساخت
■ داعش وارد خطوط قرمز ما شود منهدمش می‌کنیم

همین‌صفحه

بانک‌ها از سپرده لحظه‌ای کارتخوان‌ها چقدر سود می‌برند؟

## مخالفت مجلس با کارمزد کارتخوان‌ها

بانک مرکزی برای دریافت کارمزد از دستگاه‌های کارتخوان مصمم است و مسؤولان این نهاد سیاستگذار برای توجیه این اقدام هر روز اظهارات جدیدی را مطرح می‌کنند.

صفحه ۳

قتل ۷۰ سرباز عراقی توسط جنگنده‌های آمریکایی

## بمباران تأسیسات نفتی سوریه

صفحه ۱۵

**یادداشت روز**

## آقای صدام! عذر می‌خواهیم

■ حسین‌قدیانی ■

هفته دفاع‌مقدس، عدل با پاییز شروع می‌شود؛ «پادشاه فصل‌ها». بعضی بر این تصورند که پاییز، فصل مرگ برگ‌هاست اما هیچ برگی از هیچ درختی نمی‌افتد، الا آنکه خود را هزینه کند پای مقاومت همان درخت. ریشه فقط آب نمی‌خواهد، نوازش پاره تن خود، برگ را نیز می‌خواهد. اگر جز این است، برگو مرا چیست آن سبب که برگ، رقص‌کنان از درخت فرو می‌افتد؟! تو هیچ نظاره کرده‌ای افتادن شهید را بر خاک؟! تا ناز نکند برای زمین و زمان، مگر می‌افتد؟! هیهات! که این افتادن، تجلی مرگ باشد. مرگ آن عفریتی است که همه زندگی را از آدمی می‌ستاند، لیکن خون شهید، بهار را مدیون خود خواهد کرد، زندگی را، جان را... چه می‌گویم؛ حیات را. پس اگر پاییز، پادشاه فصل‌هاست، دوران خوش دفاع‌مقدس هم تا ابد «ام‌الفصول انقلاب اسلامی» باقی خواهد ماند. و الا آغاز حمله دشمن به کشور، چه جای جشن و سرور؟! آنچه ما این روزها، به پاسداشت آن نشسته‌ایم، آن لحظه نیست که دشمن وارد خاک‌مان شد، بل آن دمی است که خدا و خون، دفاع ما را رنگ تقدس بخشید. بر این خون خدایی، مباد که پای بگذاریم. این «سرخ مقدس» فراتر از برگ، برگ شناسنامه ماست. اگر بی‌مروت، برگ پاییز را له می‌کنیم، این یکی را دیگر لگدمال نکنیم و این همه بد تا نکنیم با جنگ! ۸ سال جنگ، مهم‌ترین برگ شناسنامه

ما، مظهر اراده و غرور و استقلال و ایستادگی ما، تجلی مردانگی ما، عامل عزت ماست. فقط آنها که جنگ را درشت می‌نویسند، آن را بر وزن مرگ می‌یابند اما جنگ را باید درست نوشت تا متوجه شد که جنگ ۸ ساله، اتفاقا بر وزن زندگی است. مگر چند سال از جنگ گذشته که بعضی‌ها این همه به کام ملت تلخ می‌کنند هفته مظلوم دفاع‌مقدس را؟! کاش لااقل دست فتنه را از سر جنگ بردارند! قسم به خون شهدا، بعضی‌ها برای جنگ هم دارند «نامه سرگشاده» می‌نویسند! و بی‌هیچ سلامی به شهدا، جنگ شهدا را می‌زنند که آنجا اشتباه رفتند، آنجا خطا کردند، آنجا دچار تندروی شدند! من واقعا نمی‌دانم در این مقال باید جناب عالیجناب را «آقای هاشمی» خطاب کنم یا «آقای رفسنجانی» اما فرمانده محترم جنگ! گیرم عزیزی در میدان سیاست، فلان کار شما را نقد کرد. خب! در همان میدان سیاست، جوابش را بدهید! چه کار به جنگ دارید؟! شما «فرمانده جنگ» بودید و ما، با یک نگاه درست، منطقی و ملی - صرف نظر از گلایه‌های کاملا درست این روزها - شما را در آن فتح باشکوه، کاملا سهیم می‌دانیم لیکن شما خود چرا آداب فرماندهی را رعایت نمی‌کنید؟! کجای دنیا، فرمانده مافوق، در ملأعام، زیرمجموعه خود را می‌نوازد؟! آن هم به ناراستی؟! آیا امام خمینی(ره) که فرمانده شما یعنی «فرمانده کل قوا» بود، به بهانه فلان شکست یا بهمان عدم‌الفتح، حضرتعالی را می‌زد که شما غالبا بی‌هیچ توجیه موجهی، یک روز این سردار زیرمجموعه خود در جنگ را مورد لطف قرار می‌دهید، دگر روز، سردار دیگری را؟! و بر فرض غالبا نزدیک به محال، آنچه می‌گویید درست باشد! پس شما چه کاره بودی در جنگ؟! آیا جز این است که دیگر فرماندهان جنگ، دقیقا زیرمجموعه حضرتعالی بودند؟! اینگونه که شما دارید فرماندهی خود را زیر سؤال می‌برید! غیر از این است؟! مع‌الاسف، کاش فقط یک روز به محسن رضایی بند کنید و روز دیگر به رحیم صفوی! که اغلب به این بهانه‌ها، خود جنگ را می‌زنید؛ گاه این عملیات را، گاه آن عملیات را. این و آن عملیاتی که پایش صدها «شهید» داده شده. آقای فرمانده جنگ! میزان تقوای شما برای من موضوعیتی ندارد اما می‌خواهم بپرسم؛ «آیا رواست جلوی چشم خانواده شهدا، این همه بگومگو؟!» شما عمدتا هر وقت که در سیاست، جواب درست در چنته ندارید، این تاکتیک‌تان است که بردارید و جنگ را درشت بنویسید! اما این وسط، گناه مادران شهید داده چیست؟! آقای فرمانده جنگ! بگذار خیال‌تان را راحت کنم. ما هم دقیقا عین پیر خون دل خورده جماران، ولو برای ذره‌ای، از ۸ سال جنگ، نادم و پشیمان نیستیم. باز هم بگذار خیال‌تان را راحت کنم! ما خوب می‌دانیم که جنگ، جنگ بود و در جنگ، آنهم یک «جنگ تحمیلی» آنچه بسی محتمل است، بروز اشتباه.

ادامه در صفحه ۱۶

**خبر**

## آشنا: روحانی و اوباما یکدیگر را درک کنند

حسام‌الدین آشنا، مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور که روحانی را در سفر به نیویورک همراهی می‌کند در صفحه شخصی خود به ارزیابی دیدارهای روحانی با سران کشورهای مختلف پرداخت.

به گزارش تسنیم، آشنا با بیان اینکه این روزها روحانی کوشش می‌کند تا اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی را کاهش دهد و ارائه چهره رحمانی از اسلام و چهره عقلانی از ایران را دنبال کند، نوشت: دیدارهای دوجانبه همه یک پیام از طرف مقابل را منتقل می‌کند؛ ما منتظر رفع تحریم‌ها هستیم تا بتوانیم ایران را در صدر فهرست اولویت‌های خود قرار دهیم. طرف ایرانی هم یک پیام قوی را دائماً تکرار می‌کند؛ اگر طرف‌های ما می‌خواستند صداقت و جدیت ما را بیازمایند، عملکرد اعتمادساز ما در یک سال گذشته بهترین سند برای موفقیت ما در این آزمون است و اگر می‌خواستند توان ما را در مواجهه با تحریم‌ها بسنجند باز هم یک سال گذشته سند موفقیت ما در مدیریت منابع اندک، انضباط مالی و اولویت‌بندی درست است؛ به‌کنایه شنیدیم که آنچه اوباما در زمینه سلامت عمومی نتوانست انجام دهد، روحانی با وجود تحریم اجرا کرد.

آشنا نوشت: روحانی بسیار خوب می‌داند چه می‌کند و می‌تواند این را که طرف‌های مقابل از سخنان و رفتار او چه برداشتی می‌کنند، مدیریت کند.

مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور به سخنرانی رئیس‌جمهور آمریکا در سازمان ملل اشاره کرده و با بیان اینکه سخنان اوباما در سازمان ملل پاسخ دقیق و بهنگامی به حسن‌نیت و تدابیر یک‌ساله روحانی بود، نوشت: «این دو لازم نیست یکدیگر را ملاقات کنند، کافی است یکدیگر را درک کنند و شجاعت کافی برای عبور از گذشته‌های دور و نزدیک را داشته باشند».

آشنا درباره دیدارها و سخنرانی‌های روحانی در نیویورک اظهار کرده که در جلسه با بزرگ‌ترین فعالان اقتصادی آمریکا کسی از روحانی خواست با اوباما دست بدهد و کار را تمام کند. روحانی پاسخی عمیق ولی ساده داد؛ او گفت حل مشکل ایران و آمریکا نه از دست که از مغز آغاز می‌شود. آمریکا باید به تهدید و تحقیر ایران خاتمه دهد و نگاهش را به ایران عوض کند. باید درک کند استفاده از فرصت تعامل و مصالحه با ایران به‌نفع همه است.

مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور گفته که روحانی از فعالان اقتصادی خواست به‌جای آنکه سیاستمداران درباره ایران به آنها خط بدهند، خود آنها جهت‌دهی را به‌عهده بگیرند و سیاست را در مسیر اقتصاد هدایت کنند. این زبانی است که آمریکایی‌ها خوب می‌فهمند.

سرلشکر باقری در برنامه شناسنامه:

## داعش وارد خطوط قرمز ما شود منهدمش می‌کنیم

**گفت‌وگو**

**گروه سیاسی:** معاون ستاد کل نیروهای مسلح گفت: ما خطوط قرمزی را در مقابل حوادث اخیر عراق داریم، البته اعلام رسمی نکرده‌ایم؛ از جمله اینکه یک حاشیه امنیتی برای مرز کشور قائل هستیم، اگر داعش به مرزهای کشور نزدیک شود، منهدم خواهد شد.

به گزارش «وطن‌امروز»، سرلشکر محمد باقری، معاون ستاد کل نیروهای مسلح به مناسبت هفته دفاع‌مقدس در برنامه شناسنامه پنجشنبه‌شب حضور یافت.

معاون ستاد کل نیروهای مسلح با توجه به تحولات منطقه، وضعیت دفاعی ایران را مطلوب توصیف کرد و گفت: بحمدالله در امنیت و دفاع کشور هیچ مشکلی نداریم، قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی به اندازه‌ای قوی عمل کرده است که در ذهن کسی خطور نمی‌کند که بتواند به جمهوری اسلامی ایران تهاجمی داشته باشد. در خاطر دارید بعد از تصرف عراق توسط جورج بوش پسر در سال ۸۲ مطرح می‌کردند هدف بعدی ایران است.

از آن زمان ۱۲-۱۰ سال گذشته است ولی شرایط به نحوی است که اذعان داشتند تهاجم زمینی به ایران را منتفی می‌کنیم و بعد سایر انواع تهاجمات منتفی شد. امروز حرفی از تهدید عملی جمهوری اسلامی ایران به آن معنی نیست. برخی مواقع سخنان مضحکی از سوی رژیم صهیونیستی شنیده می‌شود ولیکن خودشان و آمریکا جواب آنها را می‌دهند که توان این کار را ندارند.

سرلشکر باقری افزود: معتقدم ۸ سال دفاع‌مقدس پتانسیلی دارد که می‌تواند نه تنها نیروهای مسلح نسل‌های بعدی ما را بسازد بلکه کشور و منطقه و جهان را بسازد. به عنوان یک مطلع می‌گویم؛ اگر امروز با این سن و سال و تجربه به ما بگویند در کنار اروند رود والفجر۸ را طراحی و به دشمن حمله کنید، بارها فکر کردم و دریافتم یک واو به طراحی آن زمان نمی‌توانم اضافه کنم؛ یعنی این قدر دقیق بوده است. جنگی که در والفجر۸ در فاو اتفاق افتاد ۵ برابر تصرف خرمشهر وسعت و ۱۰ برابر تصرف خرمشهر پیچیدگی داشت.

سرلشکر باقری پیرامون پشتیبانی دولت وقت از جبهه‌ها عنوان کرد: معتقد بودیم که بیش از اینها باید از جبهه پشتیبانی می‌شد، ما کشوری با جمعیتی ۲برابر عراق بودیم ولی جمعیت رزمنده عراقی‌ها همواره ۲ برابر کشور ما بود. این نشان می‌دهد در عراق تا چه اندازه به جنگ اهمیت داده می‌شود و مردم به جبهه گسیل می‌شوند.

ما در اوج کار در هور بین عملیات خیبر و بدر در سال ۶۳ در حال ساخت سیل بند بودیم؛ تمام دولت بسیج شد تا قرارگاه صراط ساخته شود و تمام ارگان‌ها ملزم شدند تا تمام کمپرسی‌های خود را به جبهه منتقل کنند، باور می‌کنید ۵۰۰ دستگاه کمپرسی به جبهه آمد؟ در همان روز عراق با ۵۰۰۰ کمپرسی مقابل ما سیل‌بند زدند در حالی که عراق کشوری است که یک چهارم ما وسعت دارد و آن زمان یک دوم ما جمعیت داشت و گرفتار مشکلات خاص خود بود. از این نمونه‌ها خیلی می‌توانم بگویم.

یکی از یگان‌ها در یکی از استان‌ها زمانی که دولت به استانداری‌ها دستور فرستادن جیپ و لندروور به جبهه را داده بود، ۳ جیپ بسیار کهنه به جبهه فرستاده بود در حالی که در آن زمان سپاه آن شهرستان زیر علف‌ها چند جیپ نو مخفی شده را پیدا کرده بود.

یکی از مشکلات ما این بود که از پتانسیل کشور در زمان دفاع‌مقدس بهره نبردیم و حمایت لازم صورت نگرفت. بعدها خیلی شعار دادیم که ما چه کردیم و دولت زمان جنگ و... ولی این طور نبود.

وی درباره حوادث اخیر عراق و گروه تروریستی داعش اظهار داشت: ما خطوط قرمزی را در مقابل حوادث اخیر عراق داریم، البته اعلام رسمی نکرده‌ایم؛ از جمله اینکه یک حاشیه امنیتی برای مرز کشور قائل هستیم، اگر گروهک داعش یا هر عنصر تهدیدکننده‌ای به مرزهای جمهوری اسلامی نزدیک شود در یک اقدام دفاعی مقتدرانه مرزی، آن را منهدم خواهیم کرد. این را درک کردند و الان هم آخرین جایی که در استان دیاله عراق آمده‌اند تقریبا با مرز ما ۴۰ کیلومتر فاصله دارد؛ این حریم ۴۰ کیلومتری را حفظ کردند و به سمت مرز ما نیامدند.

معاون ستاد کل نیروهای مسلح در ادامه برنامه شناسنامه در پاسخ به سؤالی درباره قطعنامه ۵۹۸ بیان داشت: به نظر من قطعنامه ۵۹۸ در تیر ماه ۶۷ پذیرفته نشد و سابقه آن به ۳-۲ سال قبل از آن بازمی‌گردد؛ هنگامی که پشتیبانی لازم از رزمنده‌ها در جبهه صورت نگیرد یا باید نشست و شاهد انهدام کشور بود یا باید برای خاتمه جنگ تصمیم گرفت؛ این قشری‌نگری است که بگوییم فلان شخص ۲ خط نامه نوشت و گفت اگر فلان کارها را نکنید نمی‌شود جنگید و حضرت امام(ره) نیز در پی آن اقدام به پذیرش قطعنامه کردند. این مطلب با عقل سازگار نیست.

از سال ۶۵-۶۴ ضعف‌های ساختاری، زیرساختی و اساسی ما در جنگ هویدا بود. قبلا هم بود ولی دیگر عراقی‌ها به جایی رسیدند که بشدت قوی شدند؛ اتفاق فاو افتاد و عراق خطر را به جد احساس کرد، همه به حمایت از صدام برخاستند؛ اطلاعات موجود است میزان تسلیحات و کمک‌هایی که به عراق در سال‌های ۶۵-۶۴ شد قابل قیاس با گذشته نیست.

عراقی‌ها با ۴۰۰ هواپیما و ۱۲ لشکر زمینی جنگ را آغاز کردند، این ۴۰۰ هواپیما در طول جنگ ساقط و ۱۲ لشکر منهدم شد. من مسؤول شمارش اینها بودم. ولیکن در روزی که ما قطعنامه را پذیرفتیم عراق ۷۰۰ هواپیمای روز دنیا را داشت و دارای ۵۶ لشکر بود. یک میلیون رزمنده داشت. ما با یک ارتش قدرتمند اینگونه مواجه بودیم.

ما برای مقابله با سلاح‌های پیشرفته شیمیایی عراقی‌ها حتی ماسک به درد بخور نداشتیم؛ آن ماسک‌های موجود که در فیلم‌هاست نیز از بین ۱۵ عامل شیمیایی پاسخگوی ۳-۲ عامل بود؛ آن ماسک‌ها به درد گاز اشک‌آور می‌خورد، وقتی گاز اعصاب می‌زدند این ماسک‌ها عمل نمی‌کرد، بچه‌های ما همانند برگ خزان می‌ریختند؛ باید برای این اتفاقات تصمیم‌گیری می‌شد. این امر در طول زمان جاری است؛ اگر می‌خواهیم روزی مجبور به پذیرش قطعنامه‌ای نشویم باید قدرتمند شویم. ما در منطقه‌ای از جهان و در بین قدرت‌هایی زندگی می‌کنیم که اگر قوی نباشیم قطعا پایمال خواهیم شد؛ این قوی بودن در طول زمان باید اتفاق بیفتد. یک بعد این امر در دفاع و امنیت است، وحدت ملی، انسجام ملی، پیوستگی مردم و حکومت و... که می‌دانیم باید در جریان زندگی ملت ایران جاری باشد تا این ملت قدرتمند سرپا باشد و روز به روز بالنده‌تر شود.

پذیرش قطعنامه چنین داستانی است؛ نمی‌توان کسی را متهم ساخت و به عبارت دیگر نمی‌توان اذعان داشت در مقطع خاص، نامه خاص، شخص خاص، جمله خاص و... سبب پذیرش قطعنامه شد. باید بدنه کشور، بدنه دولت و... از جنگ بهتر از این دفاع و حمایت می‌کرد تا به آن روز نرسیم، که رسیدیم. آن روز بسیار برای ما تلخ بود؛ بسیاری از رزمندگان آرزو می‌کردند زنده نمی‌مانند و آن روز را نمی‌دیدند.

حداقل برای سطح راهبردی جنگ روشن بود که تصمیمی غیراز آن نمی‌شد گرفت و تصمیمی عاقلانه گرفته شد و باید این تصمیم اتخاذ می‌شد. در آن روز تیر ماه سال ۶۷ اقدامی غیر از آن نمی‌شد کرد، باید چاره را قبل از آن می‌کردیم؛ اکنون هم اگر در پی ملت مقتدر بودن هستیم و می‌خواهیم به افق چشم‌انداز پایبند باشیم باید تلاش شود و به ابعاد مختلف قدرت ملی دست یابیم و خودمان را حفظ کنیم و الا امکان دارد همانند قضیه پذیرش قطعنامه در طول تاریخ اتفاق افتد.

سرلشکر محمد باقری همچنین در پاسخ به سؤال مجری برنامه درباره لقب شهید باقری که او را «نابغه جنگ» نامیدند، گفت: من به عنوان برادر ایشان نباید این مساله را بیان کنم ولی واقعا معتقدم در جنگ ما نیرو و عنصری که در طراحی و برنامه‌ریزی آینده‌نگرانه جنگ فعالیت درخور توجهی داشته باشد و کار اساسی کرده باشد، اگر به تعداد ۴-۳ تن باشد، یکی از آنها شهید باقری بود.

آقای محسن رضایی، آقای رشید، آقای صفوی، شهید صیاد شیرازی و... نیز از جمله افرادی بودند که در جنگ چنین نقشی داشتند، شهید باقری در بین اینها تمایز داشت از این جهت که انسانی چندبعدی بود. برخی از این دوستان که نام بردم در هدایت عملیات در لحظات حساس که نیروها نیاز به تصمیم درست داشتند، منحصر به فرد بودند. برخی دوستان در سازمان‌دهی یگان‌ها، تخصص‌ها، رسته‌ها، آموزش و ایجاد تشکیلات قدرتمند بودند و برخی در پشتیبانی از رزمندگان ابداع و ابتکار داشتند اما شهید باقری در تمام این ابعاد توانمند و چیز بسیار عجیبی بود. سازماندهی دسته پیاده در یگان‌های رزمی سپاه که ۲۲ نفره شد، اینکه عناصر دسته چه کسانی باشند و چه ویژگی‌هایی داشته باشند، چه آرایشی داشته باشند و... بر عهده شهید باقری بود. دست خطش هم موجود است.

سازمان رزم سپاه امری دیکته شده و سیستم مستشاری نبود، درباره توپخانه، مهندسی، ادوات، خمپاره‌اندازها، اطلاعات عملیات و... شهید باقری نابغه بود، درباره اطلاعات عملیات شهید باقری آغازگر و در واقع ابداع‌کننده و تشکیل‌دهنده اطلاعات عملیات بود، ایشان در حوزه سازماندهی موثرترین فرد در بین دوستان بود.

شهید باقری در حوزه هدایت عملیات و برنامه‌ریزی عملیات‌های مداوم برای توقف دشمن نیز فعالیت هوشمندانه‌ای داشت. در آبان و آذر ماه سال ۵۹ دشمن در حال پیشروی بود که با راهبردی از پیشرفت دشمن جلوگیری شد؛ تعداد بسیاری عملیات‌های کوچک برنامه‌ریزی و اجرا شد تا این نتیجه حاصل شد که از پیشروی دشمن جلوگیری شود.

اینکه این عملیات‌ها کجا باشد و چگونه به یکدیگر دوخته شود تا به نتیجه برسد، حاصل تلاش شهید باقری بود البته دوستان حضور داشتند و تاثیرگذار هم بودند، ولی از جهت همه بعدی بودن، شهید باقری منحصر به فرد بود و لقب نابغه جنگ به این دلیل به وی اطلاق شد.

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان ۳۰۰۰۸۸